

فَلَمَّا أَخْلَقَ اللَّهُ الْجِنَّةَ لَمْ يَرْجِعْهُ إِلَيْهَا فَلَمَّا كَانَتْ  
**الْجَنَّةُ جَوَافٍ**

سَلَامٌ عَلَى مَنْ يَرِدُ إِلَيْهِ وَلَا يَرِدُ إِلَيْهِ سَلَامٌ



شَرِيعَةَ: كَامِ أَولَ آگاهِي، پیام آخِرِ تعالیٰ

پن پست شکن

ما را در آدامه راهی که در پیش خواهیم اشکالات دولت و نقاط ضعف دولت شناسی داشت، موفق تر خواهد گردید. فراوانی برای جلوگیری از این امرکرد

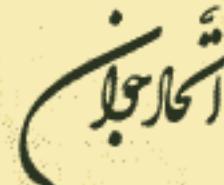
اما م خمیس در دیداری که با  
نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر  
مناسبت یکمین سالگرد آن داشتند می‌شوند  
اشارة به نارضایتی خود از میرزا زاده  
آرامشی نسبی در جامعه برقرار شد. این نشانی را که میتوان در این رابطه آن  
و چنین فعالیت مجلس و مجلسان، بر امر بخصوص در سطح مشمولان بواسطه اشاره گردیده باز است از  
عدم تضعیف آن انگشت که اشتمام معدوراً شی کداماً برای آنها ایجاد گردد. افاده دولت برای محدود کردن  
سازمانی که بودندگان ملّا محسوس بود. چندی بعد می‌شوند هزار شیخ میتوانند رشیس جمهور؛

روحانیت مبارزه‌نموده‌است. اجرای دقیق حسنه‌مند فرمان، هیئت‌سنفراهای سرای ۱- لایحه سپاهی وزارت خانه‌های قانون اساسی - حفظ اعتبا رتها دهای رسیدنی به اختلافات بین سران و دیگر بدون وزیر برحسب این لایحه اکثر شیوه... سران قوم را با اختلاف مسائل اختلاف برانگیزشکل کردید. از جمهور از میان وزرای مورد نظر نخست برادرداشتند و هشداردا دندمردم بهین است رسیده‌اند. لذا اکرآقا یسان متواتد آغاز سال جاری مسائلی بطور تدریجی در وزیریکی را انتخاب نمایند، وی میتواند سطح جامعه مطرح کردید که با ردیگر منجر سپاهی وزارت خانه‌ها را خود شخما بدها لاگرفتن روحیه نشنج در سطح بعده بکشد.

مسئولان گردید. بعوارت بهتر جنسیت ۲- لایحه حذف فرمان همایونی: رقبب ریاست جمهوری که اکنون عمل "تمام" برحسب این لایحه شریعت همایو... و مجازی قدرت را در دست دارد. با تسلیم مسئولیت‌هاشی نظیر مددبریت بانک مرکزی زدو... و آن روز شیوه‌یکی دیگر از ایام اللہ است و... لواجع واراشه طرحهاشی، برآن شدکه و شیوه سپاهی هلال احمر و... که مستقبلما بررسی و تجزیه و تحلیل آنچه امام قدرت رئیس جمهور را بین از پیش محدود زیر نظر ریاست جمهوری بود، تحت نظر در این سخنرا نی فرمودند بیرون شدند تما باد. و رئیس جمهور شیوه‌یا بزرگ کردن بقیه در صفحه ۴۶

۱۰

۱۷	-	حاشیه رویدادها
۱۸	-	موقعيت کلی انقلاب
۱۹	-	سالروز ناسیں مظلوم
۲۰	-	تاریخ تحلیلی اسلام
۲۱	-	ویرہ نامہ شہادت شریعتی
۲۲	-	نهج الملاعنة
۲۳	-	۱۵ انصان - میلاد ولی عمر (عج)
۲۴	-	سالروز ناسیں جہاد سازندگی
۲۵	-	معرفی کتاب
۲۶	-	مفہودہ داشت آموز
۲۷	-	خود آزمائی
۲۸	-	جدول
۲۹	-	پا سخ بہ نامہ ها
۳۰	-	سالروز شہادت اعماقی خصوصیاتی
۳۱	-	مو منافق



محلہ سیاسی - اجتماعی

(باید نولوژی اسلامی، ویژه دانش آموزان و حواستان، مبتکل و بددون و اسکنی به همچ گروه)

مکالمہ

ذیلنظر

طروح و تنظيم:

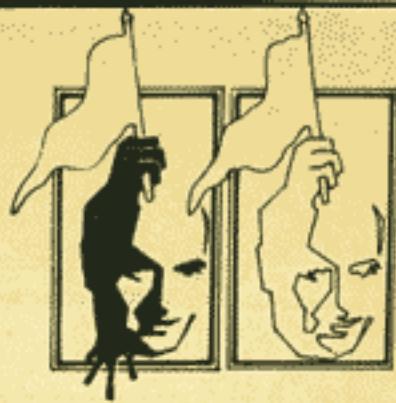
زمان انتشار:

6

٨٣٩٤٥- المتن

آدرس: دفتر: حبایش، هتل هری فرسنده به عاززان، ساختمان ۴۳۴، طبقه دوم، تلفن: ۰۸۳۹۹۵۰

# شروعی و دیدگاهها



## لورسی موضع

### برخورد با

#### شیعی

#### علم شهید

### انقلاب اسلامی



نمود، بلکه شریعتی حجا می را کم در طی قرون با اتحاد سه گانه "زروزورو نزویر"

بین مذهب و جامعه و رابطه متنقابل این دو ایجاد کرده بود از هم در بین این تفکر را که "یک روشنگر آزاد بخواه و انسان دوست نمیتواند لائیک" (غیر مذهبی) نباشد" می باید اعلام کرد.

این برخورد دقیقاً "به پرکسردن

خندقی که بین اسلام به مناسبت سیک ابدی شیوه ای انسان ساز و مارزو اسلامی از یک سو و سازهای امروزیک جامعه از سوی دیگران بیجاد شده بود، انجام می دهد. بعضی شریعتی با انتکا، به دست اوردهای جامعه شناسهای که در طول زندگیت چه بحث و تجربه و ایام واقعیتها و چه بحث و تحقیقات عالیه در داخل و خارج و کسب علوم قدیم وجود داشته باشد با فتحه بود خلا" موجود را

بر تحدی و چون سی بولادین در برابر غرب زدگی و شرق زدگی و خود باختگی در برابر

برای یک سرسی و تحلیل سالم از استندو نظم (مازکسیم و کاپیتالیسم)

برخورد جویانات مختلف با شریعتی ابتداء

قد علم نمود.

لaz مست به موقعیت و تراویه و دومنیز

شریعتی در این رابطه هیچگاه

اصالت تفکر شریعتی در قبیل و سعد از هیجتا نکه مروزه رایج است از اسلام

بعنوان یک وسیله و ابزار برای تحقق

ایده‌آلها پیش سودت گشت. بلکه او اسلام را

دکتر شریعتی در زمانیکه اسلام در بعنوان مکتبی که میتواند راهنمای عمل

برده محقق سود و نهان نکنسته از اسلام شریعتی شد.

از این این برده بودنماشی مبین داشت که شریعتی را میتوان عمدتاً در

سیاست درین عالمه مردم ایجاد نموده

که اوج آن درین قشر جوان و تحصیل کرده

بخوبی نمایان میباشد. این وضع اگر در

شکل طبیعی که نمود با رزیک محیط رشد

باشد است. تجلی پیدا نمیکرد. جای

بسی سرافرازی و خوشحالی بود. اما

واقعیت اینست که در جامعه کنونی ما

هر جزیان سی در اینجا دجوی کاذب دارد

که تحت آن استیلا و استبداد خوبی را در

درین دنیا و کشوری و سیاست بر جا مده تحمل

سایه دشای این امر ناشی از یک شرایط

نا ریخی باشکه سلطه استبداد در

ادهان ما ایجاد نموده و بعنوان یک

حملت شرک آسوده راجه مده متجلی گردیده

است.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

هر کسی از این خودش دیار من

وزدرون من نجست احوال من

"مولوی"

او فاع و شرایط کنونی حاکم بر

انقلاب بپردازیم.

جا مده مایک سردر کم ابدی شیوه

سیاست درین عالمه مردم ایجاد نموده

که اوج آن درین قشر جوان و تحصیل کرده

بخوبی نمایان میباشد. این وضع اگر در

از این طبیعی که نمود با رزیک محیط رشد

باشد است. تجلی پیدا نمیکرد. جای

بسی سرافرازی و خوشحالی بود. اما

واقعیت اینست که در جامعه کنونی ما

هر جزیان سی در اینجا دجوی کاذب دارد

که تحت آن استیلا و استبداد خوبی را در

درین دنیا و کشوری و سیاست بر جا مده تحمل

سایه دشای این امر ناشی از یک شرایط

نا ریخی باشکه سلطه استبداد در

ادهان ما ایجاد نموده و بعنوان یک

حملت شرک آسوده راجه مده متجلی گردیده

است.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

بدعت یا نوعی توآوری در اسلام تلقی

در خوزه و داشکاه که ردکتر بحورت یک

و ادار دنیا شاند.

کند.

البته این برقرار انباء بدینها

با توجه به میشه های مساعده جاری

جریان رشدیاب در آمدوارا بینجهت در هر این بررسی شامل جریانات فکری بعنوان نمایع متفاوت از این داده است دو قسمت با مخالفتهاشی از شیوه های ساسی و اینکه را با مارکسیستها، مجاهدین از شیوه های فکری و جریانات داشته است. قشری نگر و منجمد در میان بعضی خلق، لیبرالها، مدعیان خط شریعتی و فکر مخالفت شدیداً با دکتر از روحانیون و غیربرده و شرفده در دانشگاه اصل حوزه و دانشگاه میباشد که معرفه این جریان با دکتر از روحشید، گرچه تاکنون ممکن شده است دو انتکبر بررسی خاست: ۱- از نظر فکر روسو شد، گرچه تاکنون ممکن شده است دو انتکبر بررسی خاست: ۱- از نظر فکر روحانی از دکتر سخموی در حوزه و کروه ویا وجا هست سیاست داده نبوده و پدر ارتقا عی دکتر از روحانی داده شد و با طرح این سائل توسط دکتر موجودیت اسلامیان را با عدم مذاقت توانم سوده و قبل از طرحی: ۱- واپسی کرا بیان و جریانات واپس در خطر می دیدند. قشری از این دسته مقدم بود بطلان مدعیان آن با این رسانیده است چرا کرا: برخورد این جریان که نتاً آکا همانه بر زیم و باسته نباشد و باعث مذمودی شد و مخالفت اسلامی خود را در این رابطه و آکا همانه، همدادی دشمن رود روز خشم تداشتند با شندولیکی اساس مخالفت اسلامی خوبی ارائه کرده است. مثلاً وقتیکه خورد و تفکر بیوای اسلامی بعنی میریا لیسم لحاظ جمود فکری و تحریری بود که فکر میکرد اسلام منهای روحانیت "با حذف بقیه ورزیم منعطف شا" تندی توسط چند ترزو حانی همان اسلام است ولاپیر. ۲- روحانیت کلام و شرایط طرح و مورد بحث آورده میشود قشری بلحاظ بینش ارتقا عی و جمود فکری اش و طرز تفکری که با ساواک در ارتباط مستقیم نافی این تحلیل عمومی دکتر روسورد و چند ترزو حانی نمایند و باعث مذمودیم بودند و ما موربیت داشتند به روحانیت و حوزه نسبت آن دکتر در جلسه ای دیگر میگوید:

"روشن فکر ما شاد و متنکا مل طبیعی و منطقی و بیوسته تحول تاریخی و روش فرهنگی جامعه مانیست. بدین فرهنگی مردم ماعلی است و امام صادق و پدر فرهنگی او...، مادر فکری اش میرزا ملک خان لاتاری آدانشگاه ما، نه در کنار ما که در برای برخوازه مایه بیا شد، نه بر هزار سال سنت دانشگاهی ما، که بر صفر! و در جای دیگر طلاق را میدانیده خسوس شی خواهد شد... (رجوع شده به گفتارهای در موردن هیری از تغلب از دکتر در همین شماره) در هر صورت کار دکتر را نمی توان خالی از اشتباه و لغتش داشت چنان تکه خوب دستکنایات انجرا فی معروف به انجمن حجتیه نحوی داشده چهار دکتر شریعتی از در میان او هم چنین نمی داند و نقل قولهاشی از اورا (نه داشتند) از ده میلادی این زده میلادی اکبر در بررسی روحانیون و تواند مردم خراب کرده و شخصیت در این موردو در خواست تصحیح نوشته هایش افرا دفعی اذکر مثل حاج شرفه انصاری را خردنا بند. پیر حا لنتجه عملی هر دو را مکررا "شنبده ایم". و شیخ قاسم اسلامی و مکار و مرحوم حاج گافری و مخالفتها با آن روشها، دیگر "بنفع رزیم نکا" هی به موضع جریانات فکری انجمن حاصلی، موضع آنها را در قبال شا و این همیا لیسم بود.

و سای موجود در جای مادر برخوردیا دکتر از تغلب و رهبری ما مدر نظر بکرید، بـ ۴- مارکسیستها: در شرایط جسو شریعتی و فکاری وی، چه قبیل زیمروزی از تغلب واقعیت امروانگیزه اساسی اعمال آنها بی اختناق رزیم شاهنشاهی و کمودکار سرروی وجودی از آن میتواندتا حدی و شنکر محتم خواهد بیدرید. جریان فوق اکثرا "پیروی از ابدیتولوژی اسلامی در جهت با سخکوشی به این جریان فکری و بطلان سایرین باشد، چه مرجعیت سازشکار روا و پیکر اشی می شود که نیازهای اصلی این جهت با محدود در دسترس نبودند مکرر داشت که همیشة آن بیدشولوژی ای همواره بین از انتقال و پس از آن مخالفت ابدیتولوژی مدون اسلامی که روح جوانان را زاید راهی انسانها از قبیله ظلم و استثمارهای آشکار و نهان متناسب با شرایط، علیه نیازمندی در دندجا معدرا باس گویند، اما لست داشد که قابلیت عملی داشته و متواتدا ما مخفیتی و همکاریها می تفیم و غیره زمینه را برای نفوذ مکاتب مختلف بخصوص علاوه بر تحریک و تغییر جواعه در زرزا داشته اند. این جریان مارکسیسم که جذبه ظاهری و این نیزدارد ولای سه لای آن نمودیا بدواند کار دکتر روسورد بین از انتقال ساروشها ای مزورانه و متعدد فرا هم ساخته بود و جوانان نژاده و کروه جذب دوران پرسکوه انتقال اسلامی چنین شد ویه از استفتایات گرفته تا سخنرا اینها و جزوی این مکاتب می شدند. این جریان ادامه همین لحاظ نیز بود که لقب "علم شهید" برآختنی ها (جزوه هایی که بعضی از طالب داشت تا فریاد "مردی زکویر" برخاست از درون توده های مردم سوی مفتوح گشت. کتابهای دکتر را در مقابله مطالب امام خمینی ده "ای باران! آنچه خود داریز ببین کات



اور دند (نهضت آزادی بران). اکرچہ دکتر درس رخور دیا مسائل اسلامی از علوم و فرهنگ را بچدر غرب مدد می جست ولیکن هیچگاه نداش خدا لتفاظ آنها با منابع اسلامی بیش نزد و علم را در قبال اسلام اصل ندرفت. دکتر درس رسی علت شکست و انحراف نهضت‌های آزادی بخش، نفوذ روشنفکران غرب زده و اروپا رفت اکه در کتا رودس متفوں مطالعه و با فتن تشوری‌ها یادهای سوده اند و پس از بیروزی ولیه این نهضت‌ها به میهن خود دیا زگشید و با تکیه بر مستدر هیری خون شهیدان و حق مجاہدان را با بمال می‌کنند، بیه از عوا مل مهم آن میدانند.

درجهت کرسیها ای قتها دی نیز ما بن  
لیبرالها (غرب زده ها) اظلاعا و  
است که میتوان از لایلای کتب آنها  
کشید.

آنچه مسلم است همکاری دکتر بابا بند  
سری جربا نات بر حسب موقعیت مبارزه و  
نشان جربا نات در شرایط خاص نزد مادر  
بوده است. بینا بر این هرگونه تلاشی که  
سی هی نمایند دکتر را در خط لیبرالیها  
قرار دهد جز بمنظور سیره سردا رسانی سیاسی  
و کسب وجا هست بنا م دکتر شریعتی و سراجی  
خود "نمی بتوانند باشد".

۵- مدعیان خط شریعتی: کروهای سی از جمله هر قان و آرمان مستضعفین و .... ادعای تداوم و تکمیل خط شریعتی را داشته و دارند. اینها با برداشت انحراف فی اسلام با ابداع‌گذاری دکتر نیز برخورده‌اند. نموده و بنا مخط دکتر مواضعی تبا ذکر نمی‌کند. افکار روابعه‌های شریعتی اختلاف زیادی دارند و اراحت حلیلها و عملکردهای انحرافی سیاست‌گذاری جربا نات مخالف دکتر در

میجور ساختن تفکروی درجا مده - بخصوص  
در میان زندو حاشیت - کمک کرده است. (سرای  
شاخت بیسترا بن چربان رجوع کنید به مجله  
شماره ۲۸ مقاله "پس از شریعتی" و موقعيت  
کلی انقلاب ایران "همین شماره")  
۴- تقدیم اصلی، جزو داده شکا و اسناد

دوپا یکا هز مینه ترویج افکار دکتر بود و خود و نیز با رها و ساره امیدش را به این وحدت مقدس بیان کرده بود. تفکر اصلی حوزه بعنوان نسل جوان و زنده ای که چهار چوبهای خرافی و تخدیری اسلام را کنار زده و

## ۴- لیبرا لیها: از آنچه دکتر

بریعتی از موسین جبهه ملی و شهشت آزادی  
ظارج از کنورسوده است و جمع مکانی که  
ندادهای چهره‌های لیبرال در حسینیه ارشاد

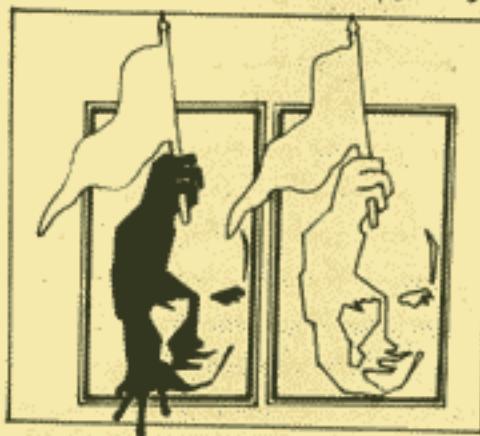
تمیتا داری" و جوانان پر شنا ب چون پروانه  
گردش وجودش جمع کشند و شربستن به حرف  
آمدوخت : "کفتنی نه از روی اتفاق و عکس  
العمل بلکه از روی ما و رواسمان به مکتب"  
و این شکل برخوردو غنا <sup>یا</sup> شرمنکی که دکتر  
حاصل آن بود خاکستری پرسید - ساز رداخ  
مارکیستها پاشید و آنان علیه او به فلم  
فرسا شی پرداختند و اورا به ارتقا عواملیم  
متهم شردند و باز کشت به خوبی شن اورا باز  
کشت به قرون وسطی خواستند و کتابها درینقد  
او نوشته شد.

## ۴- سازمان‌های خلق: سازمان

مجاهدین از آنجا که قعدهای خارج از  
جهان را می‌گردند تکلیفات به‌کل موردنظر خودشان  
را بی‌شمرمی داشتند و گاهی "در زمان حیات  
شریعتی" استقامتی بعویداً شتند. دکتر  
در آن شرایط بدکار فرهنگی، سیاسی ذریاب  
شناشندن اسلام را مستین به جوانان نو طرح  
خود آکا هی درجا ممکن است از پیشتری فاصله  
تا میان روزه مسلحانه ای خد عصاً بدوراً زآگاهی  
و خسرو تردد طایب مردم صورت می‌گرفت.

سازمان مجاہدین نیز سلحاح ابد شولزیک، اسلام خود را برتر و اصل تراز اسلامی که شریعتی طرح می‌گردیدیم داده است و اعتفا داده است که اسلام شریعتی آمیخته به فرهنگ خرد بوروز واژی است در حالیکه اسلام خود را اسلامی نیاب و پیدوارا زایسین آمیختگی نموده اند: در عین حال دکتر سیا اکا هیوهشی ریکار فیویدون هیچگونه عکس العملی همچنان سکار خوبیش و رسالتی که برای خود فنا شل بود پیرداخت و در فرمتهای مناسب آنها را تا شید و تقویت نمیزند. تجلی بزرگداشت و تبلیغ بیان مخوب شهادی سازمان مجاہدین را درست رسانی "شهادت" و "حج" که مصادف با شهادت بنتها نکذاران سازمان سود و همچنین در کتاب "حسن و محبوبه" میباشد.

پن از پیروزی شغلاب، محا هدین که  
بلحاظ ایدئولوژیک و رمینیفیکالیت عملی  
با دکترا خلافات بینیا دیدا شتند، در روند  
سرخوردهای سیاسی خود تغییر میلع دکتر شدن  
البته در پوسترها و اطلاعیه ها - آنهم سایه  
جهت کمیری خاص سیاسی خود - شد رافکا را  
ذتا بینیا یویکه می باست بطور همه جا نسبه با  
آن برخوردمی شنید.



پس از پیروزی انقلاب، تیرا لیما

سیا رسعنی نمودندتا افکار دکتر را منطبق  
بر افکار خود جلوه داده و از آین طریق کسب  
وحیده ای بینما یافت. بعضی درسا لکرد های دکتر  
مخرا نی کنند و بعضی اصلاً "زندگی فکر" را تو  
سیا سر دکتر را جزء تشکیلات خود به حساب آورد

در مدد حیای تفکر دینی بود و در این راه از غور و سرسی افق کار و جدید غرب و شرق و اهله داشت و سعی می‌کرد دین و سیاست خون نازهای در حوزه‌ها علمیه تزویق نماید. سل ۱۵ خودا حوزه‌بیر هیرای امام خمینی تحمل چنین تفکرها می‌پسندید. داشتگان نیز سعی او نسل تنه و متنافی گه در برخورد با مکاتب کوشاگران سخت به شناخت اسلام و نیز رکشت به خوبیش محناج بود و مادقا نه وجا ن برکت سف در جنگی مکتب قمتهای بود که در میان سالیان سالیان سالی گزد و غبار شرک و نفاق اشی از آن ناقی نمانته، آنچه بود حکم شریا ک داشت و افیون بمدادی حکم ما و کن و مار داشتند. شریعتی بحق پاسخگوییها زین سل از حوزه‌های داشتند بود، هر چند که بسایر بردوشیوه‌ها و محدودیتها ی جتمانی و پیاس داشتند بسایر مادر حوزه‌ها نیز بود که در این راز داشتگان بسایر مادر حوزه‌ها نیز بودند. هر چند که بسایر که در بین چنین بسایر می‌بودند نوشناست و

الرچه دکتر در بخوبیه مسائل اسلام از علوم و فرهنگ راجح در عصر مدریج بسته ولکن هیچگاه تاحد القاطط آهاب ایان استدی بین رفته و مم را در مقابل اسلام اهل نگرفته

# اذ انوی نجم، طلع نجم

امام علی

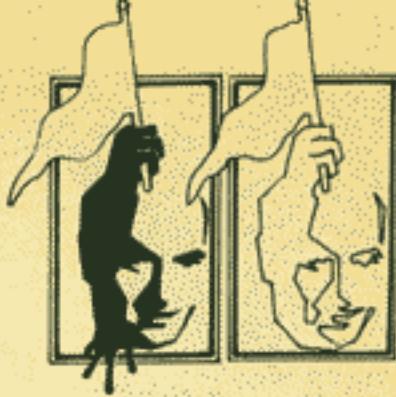
نه، نه! ...  
این سر را دگر سر آشی خواهد بود  
دگر نزیری که چگونه  
پارستهای مرده  
حوزه شید گویی مشرق را  
از بین  
قطعه کمر دند  
در درود است ها.

نه، نه! ...  
این سر را دگر سر آشی خواهد بود  
خورشید ماندنی است  
و سثاره رویانی  
و کرسوهای خاموش  
روزی رو باره  
حیرشیدهای سرخ خواهند شد  
حق اگر یک لحظه تانهایت  
کیک کام تا قیامت  
با قیمه ازهرا باشد

مصطفی مختاری  
روز - خرداد ۵۷

استخلاص عظیم سیا کرد و مخلوک است هاست که امام خمینی و پیروان بحقیقت اقدر شعوبی جامعه داد. اگرینما اود رأین زمان در راه احیای تفکر داریم بکسر هر رورا و تریعیتی باشیم باید اصلی اسلامی در جهان مسرونه و نیز دیگری در این راه کامنه دو آنرا بزم ارتیز ساخته را با دشمنان اسلام بخصوص شاشیم. با تشکیل گروهی با شهره برداری از امیری بالیم آمریکا آغا زکرده اند. تکیه داشتند. به تحریه نیز دیدیم که پیوستند این دو فشاریک نسل واحد رهروی را و تریعیتی را داشت راه تریعیتی.

آنرا شناخت. آیت اللہ مکتبی بس از خواندن کتاب فاطمه هاشمه است که نه بود که: "ای وای بی حوزه که از این مرد بزرگ تقدیر نکرد". در حقیقت تریعیتی نهاده و بدون حوزه بسایر میاند که اهلی شریعه ستون آن را بزیان نکرده است و سیز حوزه بدون تفکر تریعیتی که همان جریان را می‌بدند. تریعیتی ازدواج داشتند. حوزه نیز میباشد تریعیتی ازدواج داشتند. دین از سیاست و راهنمای عمل جتمانی بودند قرآن. خوشخانه جربان است خود بخود نشانده هستند یکی ایسین دو جربان فنزی میباشد هر چند که جنایتی منحرف از هر دو سیاست بداعلام آشی ملکه دیوی شریعیتی و حوزه بسایر دوچاری استفاده از وجوده مشترک به مقاطع افتراق تکیه داشتند. به تحریه نیز دیدیم که پیوستند این دو فشاریک نسل واحد رهروی را و تریعیتی را داشت راه تریعیتی.



## دکتر شریعتی

# محلی شهید انقلاب



### شریعتی و انقلاب

میخواستیم نقش شریعتی را در انقلاب اسلامی بجودیم. می‌نگ در این زمانه کارکردن یعنی مطالعه و نظردادن درباره انقلاب عظیمی که جهان را به حرکت آورده و مسلمان روشنگر، عالم، متعبد، عارف، عاشق و شهیدی که از را رکان چنین اسلامی بوده بسیار مشکل است بدین جهت ارکسی که همه عمر را در راه غور در قرآن و سیه الیاء کذرانده وجود روحانی است و در خانواده‌ای اهل علم پرورش یافته و نقش عده‌ای در پرورش و تکوین شخصیت اسلامی، علمی و روحانی دکتر شریعتی را در راه مبارزه با نفس و جهله و جوریه بسیاری کیانانه و آنقدر اخلاص و تقوی دارد و آنقدر عالم و مسلط است که نه عشق فرزندی او را ادار تعریف و سوسن میکند و نه خطف سینه که راهش می‌سازد کمک میکنیم استاد محمد تقی شریعتی در باره نقش دکتر در انقلاب اسلامی چنین میگوید:

"دکتر شریعتی کسی بود که "دین" را بهمیان جامعته روش فکر این سوزمین برد. قبل ازاواگریک استاد دانشگاه میخواست ابرا ز شخصیت کند، این کار را با اظهار مخالفت با اسلام و دین انجام می‌داد. پس نشر آثار روان‌دانشی دکتر شریعتی سبب شد که این جربان کامل "بر عکس باشد، یعنی همان فرد روش فکر اگر خواست ابرا ز شخصیت کند، بیشتر و درست نشود" دکتر شریعتی که در پیروزی سپاه حضرت آیه‌الله شعبی علت اصلی بوده و هستندواین واقعیتی است که "اما" بخشی ندارد. آنچه دکتر کرده و می‌شودیان نکیه کرداست که تو انته مکتبی را سوجودیا ورد، واقعیت اینست که جوانهای ما ابتداً از طریق علاقمندی به مکتب دکتر شریعتی و مطالعه آنرا و وشنیدن سخنرا نهیا بیش نتوانسته با "مذهب" و "اسلام" آشناشی بینداختند. و آنکه با آنکه هی لازم به شفقت پیوسته شفتش دکتر شریعتی را در انقلاب می‌بینیم در همین مرحله جستجو کرد."

محله سروش سال اول شماره ۳

## کار بزرگ دکتر:

وطلاب وجوه ایان مسلمان رسانیده ایان و هنرخوبی را ایان اصول و مذاہم کاربرگ دکتر طرح "اسلام" سود طرق اسلام و قرآن را معمونان سینک معمقی ریخت که درین سالها فرا موشی و معمونان بک "مکتب" اوصاره رنسانی ایدئولوژی و مکتب در داشتگاه، مدارسه غرست و...، خاصت مکتبی، الهی و حتی راکه بوسله شخصیتی بر جسته مانند و مسحد طرح کرد. رنگ و بوی خود را ازدست داده بودند. سیدجمال و اقبال در جواع اسلامی بینان مفاهیمی که دکتر شریعتی سینا کرده دکتر ایتمه رانه در سخن و نگشیارش گذاردندند بودند هموسا نلاشهاشی که آنقدر زیسا و دلتشین است که بسیاری برداخت که در عمل قبایم کردند و بازندگی در جددده اخیر توپ رو جانیوی چون دجا رسم شده اند و شریعتی را در قلم خود در آن شهادت دادند و باشند آزویان خود طالقانی و مظہری ... دریک میازده ... شیوا و سخن پرشوری علامه میکنند و حوالی ایکویناتراست چون بهترین بادا ورنیز همه حاسه فکری ... سما و روح و شفکران آنکه دکتر شریعتی همه توان آنستعداد بود.

## • تعویف انقلاب:

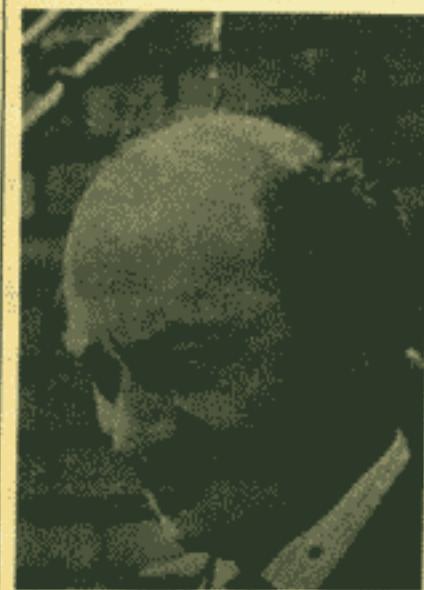
"غیر از مفهوم جامعه شناسی انقلاب که عبارت است از را بذلت میکنند، در اینجا نیز همچون کودتا یا فتح و اشغال تغییر "زیرسنای اجتماعی" ، دو معنی سیاسی آن رکته با غلبه خارجی ، عمل با اعمال فشار صورت میکنند ولی تغییراتها دساسی و تیرو، نظام و سبلهای حاکمیت است) اعمال روزنیست بلکه حق است، اعمال قدرت است از طرف عمل اکثریت مردم است، انقلاب بصورت تجلی اراده جامعه ذیحق محروم عليه سی حق غاصب" .  
زده حق تعبین حاکمیت و مستلزم است بررسنوت خوبی را "انقلاب یعنی بک دکرکوی شاکها شیوزیرسناشی، بک دارد ایزربیا در زیم با کروهی را (که تجلی اراده اقلیتی ذه فروریختن همه چیزیک سینا کردن همه چیز" مردم اند) با اعمال قدرت و فشار کنار میزند و خود را مجامعت می‌نمایند

معروف رسالت خوبی میکند یعنی زنده و  
حال ایستکه شریعتی در تعریف منخرک کردن طبقه ای که رسالت بیشتر ای  
انقلاب سعاده وغیر از همین دو جمله چیزی "انقلاب را میزد و عن دارد و انقلاب در مذاہی  
از او نمی باید، او همه هموم خود را که وجدان مموس جامعه را منحول می‌نماید"

"این نسل دارد از دست سیروود، این نسل در میانه دو باکاه تجدد و تقدم، دوقطب مجہزو شکل گرفته است و  
بدعت، املیس و فکلیس، ارتجاج و انتحراف، مقلدیں  
کذشته و مقلدین حال، کهنه پرست و غرب پرست، متخصص  
ذهنی و متخصص ضمذهنی .... تنها مانده و بی پایکا و بی  
پیاه، این نسل نه در قالبهای قدیم موروثی مانده است و  
نه در قالبهای جدید تحصیلی و وواردا تی شکل گرفته و آرام  
با فهمت اند در حال انتخاب یک ایمان است، نیازمند و شنیده  
است، در جستجوی مکتبی است که به او انسان بودن و پیش  
جامعه اش آزادی و آکاهی و عزت و بدهی و ایمان روشگار و  
سلاحی اعتقادی در میارزه باجهل و ذلت و اسارت و علیت  
ماندگی و تقدیم طبقاتی بینند.

از مردمیان نیز که اسلام را سین میتوانندیه او بای سمع  
این نیازهار ابدده، اکرم معتقد که تشیع را سین علوی به  
اوجینی سلاحی را میبخشد، برای او ویزای اسلام و سرای  
تشیع کار کنید".

پدر و ما در ما میفهمیم



# خودآگاهی

معلم شهید انقلاب ابتدای آنکه  
برفخرت انسان و سیدا رکردن آن که در پیش  
سالهای سلطه اقتصادی فرهنگی و نظم اسلامی  
انسحاب، انسانیت خوبی را سیرفرار موش  
کرده بود میگذارد، او این کار را از مسائل  
سیار عادی و ملهم مادی ناابعادی  
کسرد، فرهنگی آن دوشن میسازد.



"نفس وجودوا قیمتها شی چون فقر، ظلم، تناقضی،  
طباطی، استعمار، استثمار، خیانت یا احتطاط در بیطن  
یک جامعه حرکت و انقلاب و دگرگوئی نیست، بلکه احساس  
فقروظلم و استثمار و...، ایجاد حرکت و انقلاب اجتماعی میگنند"  
با زکشت به خوبیشن

"خودآگاهی" چیزی که داشتا "مرا از بیرون، از این  
مسئولیت‌های داشم - کنمرا قرباً شی میگند - به "خود" مفرا  
خواهند مرد اجلو آیند، داشتا "هر چندیکباره، قرار بیدهد، ها من  
"خود" مرا ببینم، هیچکس نیست که تصور بر راستین خوبیش جلو  
چشم باشد - حتی آنها شی که روزی سچهها را ساخت جلو آیند  
هستندیک با رهم "خودشان را تبدیله اند"!

خودآگاهی سالانه از آگاهی از فلسفه آگاهی از عالم،  
آگاهی از تکنیک، آگاهی از صفت اینها، آگاهی "استه  
"خودآگاهی" یعنی چیزیکه مرا بخوبیش سنبایاند، چیزیکه  
مرا استخراج کند، چیزیکه مرا بخودم معرفی کند، چیزیکه  
متوجهم کنندکه من چقدر "ارزش" دارم،"

"هر کس بیمزا ن ایمانی که بخوددارد را رزش دارد.."

خودآگاهی

"اینستکه ملک لازم است، دو تا چشم، دو تا گاه،  
خودآگاهی انسانی" "خودآگاهی اجتماعی" بین هر شخصی، هر  
حروفی، هر دعویتی، هر سعادتی هر لذتی، هر "پیشرفتی" دقت  
کنید "هر پیشرفتی" هر فدرات و تعداد و فرهنگی که در مسیر  
"خودآگاهی انسانی" و در مسیر "خودآگاهی اجتماعی" برای  
ما مطرح نشود، اغفال اندیشه‌ها از انسان بودن، و از مستقل  
زمین است.."

خودآگاهی



اما این بازگشت به خوبیشن سرای  
روشنفکر مشولیت می‌فرسید و

"روشنفکر متوفی و آگاهی که میداند و عمل نمیکنند، با  
منحط جا هل خواب آلودی که نمیدانند که عمل کنند، مساوی است  
کسیکه تمام مسائل اجتماعی را دقیق و غالباً نه تحلیل  
نمیکند، اما از تعداد هر مشولیت اجتماعی سربا رضبرد بـ  
اندازه کسیکه اصلًا نمیدانند جامعه چیست ارزش وجودی  
دارد، زیرا که "بد" و "خوب"، "ایمان" و "کفر" شیوه‌بودن  
و "تبیعدنیبودن" بعداً زعمل است که تحقق می‌باشد،  
جهدی بـ نمیکرد

## بازگشت به خوبیشن اسلامی

کار اینجا نیام نمیشود بعد از طرح  
مسئولیت انسان و خودآگاهی رجعت لازم  
است و این یک واپس گرایی نیست  
سازگاری است برای ایمانی به خوبیشن  
ایمانی ارزش آفرین، بازگشت به خوبیشن،  
به کدام خوبیشن؟

"وابستگی در یک کلمه میگوییم: تکیه مابه همین خوبیشن  
فرهنگی اسلامی است و بازگشت به همین خوبیشن را باید  
شمار خودگذشتم، به حافظ اینکه این تنها خوبیشنی است که  
از همه به مابزدیگر است و تنها فرهنگ و تمدنی است که در  
الان - زنده است و تنها روح و حیات و ایمانی است که در  
متن جامعه‌الان که روشنفکر در آن جامعه باید کار کند، زندگی  
دارد و طبیعت دارد.."

با زکشت به خوبیشن

# چه باید کرد؟



## انقلاب فرهنگی

چه باید کرد . شریعتی مقیده داشت  
اینکه میگویند "حقیقی روز است" در میان  
یک جامعه و ملت وقتی حقق بیندازیکند  
که آن جامعه و ملت ملاحتی پیروزی را  
کسب کند و برای این کسب ملاحتی باید  
تلخ کرد . چه باید کرد ؟ انقلاب ، انقلابی  
در فرهنگ :

"برای رهایی از "ولایت جور" ؛ ولایت علی" ! برای زدن داغ با طله و میرکفر و غصب بر جمیین خلافت ؛ "امامت" ! و برای واژکون کردن نظام تضاد و تبعیض مالکیت ؛ "عدالت" و برای "اعتراض به وضع موجود" - که حکومت وورجانیست و اشراحت حاکم با فتح ها و غنیمت ها و مسجد سازیها و جما عنها و مدرسه ها و نذرها و وقف ها و خبرات و میراث و تعظیم شاعر و انجام مراسم ، میگوشیدند تا همه چیزرا طبق مشیت بالمه خدا و شرع و رضا و خلق نشان دهند ؛ اهل "انتظار" ! و برای ایجاد مرکزیت در تنهافت ؛ "مرجعیت" و برای تشکیل تبروها و نظم و دیسپلین و تبعیین جهت ؛ "تقلید" . و برای داشتن یک رهبری مستول ؛ "نیابت امام" ، و برای تامین بودجه مبارزه فکری و اجتماعی و اداره تشکیلات و تاسیسات علمی ، آموزشی و جمعی - در نظامی که همه بودجه های مذهبی را حکومت زور بنام حکومت شرع میگیرد . "سهم" ! و برای طرح مدام جنت تاریخی شیعه ، اشعار فارغ تاریخ ، غصه ها و خیانت ها و ظلمها رسچشمدهای فربود روغ و انحطاط و بیویزه برای زنده نکاه داشتن خاطره شهیدان ؛ "سوکواری" . و برای رسوا کردن نظام حاکم که خود را وارث سنت رسول مینما مدوا ثبات اینکه وارث جلادان و قاتلان ذریه رسول است ، و برای شان دادن راه کار ، پاسخ گفتن به این پرسش همینکی که : "چه باید کرد" ؟ و تبعیین شکل مبارزه با حکومت جور و سر پیچی از سمعت ظلم و طرح تسلیل پیوسته تاریخ و اعلام جنت اسقاط نایبیز میان "وارثان آدم" و (تشیع علوی و تشیع صفوی) .

"وارثان ابلیس" و تعلیم این واقعیت جاری که اسلام حاضر ، اسلام قاتل است در جامعه "سنت" و اسلام راستین ، اسلام غایب است در ردا ای سرخ شهادت ... "عاشران

".... بايد اسلام از صورت سنتی اجتماعی ، بصورت یک ابدیتولوژی و از صورت مجموعه ای از معارف علمی ، یک تدریس میشود ، بصورت یک ایمان خودآگاهانه ، و از صورت مجموعه ای از شاعرها و علام و اعمال که فقط برای شواب اخروی انجام میشود بصورت بزرگترین شیوه ای در آیدکه به انسان پیش از مرگ مسئولیت و حرکت و میل به فدا کاری میبخشد و بعنوان استخراج ماده عظیمی در آیدکه آگاهی و عشق را از من این جامعه روشنگردار و در آن معجزه برومده ای را در این نسل بوجود آورد" .  
با ذکر است بخوبیشن

مذهب شیعه و فرهنگ شیعی که در اتریجند فرن مبارزه علیه خلافت جور اموی و عباسی و حکومتهای شاهان سلوکی غرسی و مغلولی .... بصورت یک فرهنگ مهاجم و شهادت طلب و متعرض شکل کرفته بودیں از آنکه بصورت مذهب رسمی در آمد و سلسله ای شدیرای توجه حکومت شاهان صفوی و دربارهای وابسته و همجنین هجومی ایمان فرهنگ استعماری به صورت یک شاعرها و علام و آداب و رسوم بی خاصیت و قلب شده ای در آمد که فقط میتوانست توجه گروضع موجودیاتها و مقیده دارد که باید مقاومت اصلی مکتب را درباره و بانفعی وضع موجود در جامعه طرح کرد ؛

و بالآخره برای بجا دیوتش هوشیار استبروزی تشكیلات ،  
فعالیت‌ها ، رابطه‌ها ، تبروها ، شخصیت‌ها ، نقشه‌ها و حفظ  
نیروها ، افراد و گروهها از آسیب پذیری دربرابر حکومت  
زورو قساوت و دستکاه روحانیت و ایستادش که با بهتکفیرها  
سهمت شیعه والجن مال گشته و مردم‌نا آگاه را علیه‌ان ،  
تحریک و بایان تعقیب آنها بایمال نمایند و باغتله عالمها و  
زندانها و تبعیدها ، تضییغه و بالآخره بحال مبارزه  
و ادامه آن و رعایت دقیق اصل رازداری و حفظ شرایط  
ویژه مبارزه مخفی : "تفیه" !

### تشیع علوی تشیع صفوی

شیعی در طول فعالیت خویش به  
هدایت‌دادن کتب "اسلام مخدی" و "نشیع  
علوی" با عمل ، سخن و قلم خویش  
می‌پرسد. آنچه را که مکویه چیزی است  
که در حركت بدان رسیده و در علم و میل  
بنجین آن برداخته ، و باعده از ظریح  
به تحقق آن شهادت میدهد .  
هر چیز ، شهادت و انتظار از آنچه  
است ، اما هر چیز :



"درین چیزه هرمدختی مهاجرتی بنهان است و به  
سخن هر جا مده بزرگی که گویند فراموشیم ، به زبان تاریخ  
با اساطیرش از هجرتی حکایت می‌کنند و در اینجاست که مسئله  
هر چیز در تاریخ اسلام ، قرآن و سیره پیغمبری ، نه بکوافعه  
است چنانکه غالباً می‌بینید ، بلکه یک اصل بزرگ  
اجتماعی است و اکثر در اسلام بدقت بستگیریم آنرا به همین  
کوته خواهیم دید ."

### از هر چیز

"یک مسلمان قرآنی (نوعی است از اسناد مسلمان‌ها)  
موجود !) بین زایمان و حتی گاه پیش از جهاد ، بیدرنگ خود  
را در بر یک اصل بزرگ ، یک فرمان فاطع می‌بیند : مهاجرت  
از بیرون و مهاجرت از درون ، سفر در روی خاک و سفر در عمق  
روح ، بیرون رفتن از آنچا که دیگر نه جای ماندن است و

بدر رفتن از آن حال که دیگر نه شاید بودن . مهاجرت نه تنها  
از راه دگاه خوبی بلکه از خوبی‌شنخیزیم ، و چندین است  
که اسلام هم می‌کوشد که جا معدرا به حرکت در آوردن ای ارجمند  
نمایند و نمیرد و هم فردا ."

### هر چیز

"مهاجرت موئیز تحرک تاریخ انسان است ."

۱۳۷۰/۲/۱۵

### هر چیز

"اگر بیاد هم شده سفرکن در ماندن می‌بیوسی هر چیز

کلمه بزرگی در تاریخ شدن انسانها و تمدنها است "

با مخاطبیای آشنا

"مهاجرت متعهد : انسانها شیوه‌نگاریهای مرحله  
ایمان می‌برند "الذین آمنو" پس از آنکه به مرحله ایمان  
رسیدند بدهمها هر چیز می‌پرسند ، چرا ؟ زیرا میدانند اگر بیمانند  
را اصلاح و کار در برآورشان نیست و شرایط بگونه‌ای است  
که دست آنها بسته است و افادا مده هرگونه کار اصلاحی برآورشان  
غیر ممکن است اینها به مهاجرت می‌پرسند و به نقطه‌ای  
از زمین که مناسب می‌بینند هر چیز می‌کنند ، و از آنجا جهاد  
خودشان را با جامعه‌ای که ترک کرده اند آغاز می‌کنند ، زیرا  
نمی‌توانند بمناسبت خود در ماندن نمی‌توانند کاری کنند ، از  
جامعه بیرون می‌روند برای اینکه از بیرون جهاد خودشان را  
با جامعه و سنتها و بیماریهای موجود در جامعه آغاز کنند .  
این مهاجرین ، مهاجرین متعهد اجتماعی هستند و این  
مهاجرت برای جهاد دو به نتیجه رسیدن جهاد است ."

۱۳۷۰/۲/۱۵

"مهاجرت متعهد : مهاجرت می‌بینیم می‌خواهیم



به بیام محمد موسوی، خودبیندیش انتخاب کن، بشنوکه  
کفته اند؛ کسانی میتوانند خوب زندگی کنند که میتوانند  
خوب بسیرند. شیوه بایدیدا اندکه در تبرده هیئت‌خواهی و  
همیشه زمان و همه جای زمین باید انتخاب کنند؛ با خون را  
با بیام را، با حسین بودن را با زینب بودن را! بسا  
آنچنان مردن را، با اینچنین ماندن را، اگر نمیخواهند  
از صلح غایب باشند.  
آنها که رفتند کاری حسنه کردند و آنها که ماندند،  
با بدکاری زینتی کنند و گرته بزیدی اند  
پس از شهادت

دکتر ایضا در خرابی از صلح مبارزه  
حق و ساطل در دنیا مطرح میکند، کنم  
اسان متعهد و مسئول سرای ساری‌افسان  
اماالت انسانی خوبیش باید بر اصل شهادت  
سرای علیه بر قدر تهای اقتصادی، صنعتی و  
نظامی استعماری تکه کند.

"الان در دنیا "بی" تا "بی" می‌جنگد که مجموعه فدرات  
علیی و مصنعتی است که در بر ای رکروهی‌ها قدر هرگونه صنعتی و  
علمی، درگیر است و سرنوشت این "درگیری" بی شرید، بسا  
اختلاف چندمایه و چندسال، بسوداين فقیران است و این  
با بر هنرهای دنیا و سوداينهاشی که حتی از نوشت

شاید اینکه ملت ایران در  
نطای هرات‌خرزیم شاه و مبارزات عولیین  
مودت‌شروعی را یعنوان "ملتم شهد"  
انقلاب معرفی کردند بیشتر از اتفاق دکتر  
در احیای فرهنگ شهادت و تحرک شخصی  
به مفهوم شهادت و عمل به‌امال "خون" و  
بیام "ساده، شربعیتی هرجاکه امکانی  
ساخت بیام خون شهدان را کنار دو خطر  
این بیام آوری رژیم را بر آن داشت  
تا جانش را سکبند دوا و جانش را شناسار کردند  
دیگران بیام شهادتش را بکذاارند:



"شهید در لغت بمعنای "حائر" ، "ناظر" بمعنای "کواه"  
و کواهی دهنده و "خبرده‌هند" را سین و امین و همچنین به  
معنی "آکاء و تبیز به معنی "محسوس و مشهود"؛ "کسی که همه  
چنها به اوست" و بالاخره بمعنی "نمونه" ، "الکو" و "سر  
منق" است".

"در فرهنگ ما شهادت مرگی بیست که دشمن برمجا هد  
تحمیل کند. در فرهنگ ما شهادت یک "درجه" است، و سبله  
نیست خود، هدف است امالت است خود یک تکامل، یک  
عنوان است خود یک مستولیت بزرگ است خود یک نعم بر پیطریف  
صعود به قله معراج بشریت است و یک فرهنگ است".

شهادت

"در همه قرون ها و عصرها، هنگامیکه پیروان یک  
ایمان و یک اعتقادی، قدرت دارند، با جهاد، غریشان و  
حیا شان را انصبین می‌گذند و وقتی که به طبق دجال شند و همه  
اسکانات مبارزه را آزادان گرفتند، با شهادت حرکت  
وزندگی وا بیان و عزت و آینده و تاریخ خودشان را انصبین  
سینکنند".

شهادت

"شهادت انسانی است که در عرصه نتوانستن و غلبه نشایست  
با مرگ خوبیش بر دشمن پیروز می‌شود و اگر دشمنش را نمی‌گزند،  
رسوا می‌گزند و شهید قلب تاریخ است".

شهید همچون قلبی به اندامهای خشک و سی رمق جایمده  
خون خوبیش را میرسا ندو بزرگترین معجزه شهادتش اینست  
که به یک نسل ایمان به خوبیشن می‌بخشد.

آری هر انسان‌خواهی دوجهره دارد، خون و بیام ارسالت  
نخستین را حسین و بیارانش گزاردند، رسالت خون را رسالت  
دوم، که رسالت بیام است همیا مشهادت را به گوش دنیا و سانده  
است. زیان کوبای خوتهاش جو شان و سنهای خاموش در میان  
مردکان متوجه گردیدند. اگریک خون بیام نداشته باشد... در  
تا ریخ کنگ می‌مایند. و بیام زینت به آنهاست که ای همه! ای  
هر که با این خاندان پیوند دو بیما نداری... و ای هر کس که

خواشدن هم‌غالباً " محروم اندویزیا نقد رئیسی که مجموعه  
ذخایر علمی و فنی روزگار ریخت شری را در اختیار دارد  
چی " با " چی " می‌جنگد؟ "علم" می‌جنگندیا " فکر " این  
محکوم فقر و بیماری و عربی ای فقط ملح بیک جیرا است  
" فکر "، ایمان، آیدیولوژی ، بیک هدف، بیک آگاهی و روشن  
بینان، با اینکه حتی سعادتمند ندارد و در برای انسانی  
است و قدرتی که مجموعه قدرت علمی و منعنه و فلسفی  
بشریت را و سرمایه جهان را در اختیار خود دارد و " ای " می‌  
جنگد، امام را نور در می‌آید؟ " خود آگاهی "

"امت یک جامعه حزبی استه اجتماعی تدبیر ملت  
مرا تدبیر طبقاتی و سنتی ، اجتماعی است در راه، کارواشی  
است عازم، بایک خدا ، بک راه، بک قبله و هدایتیک قبله  
فرزندان بک شیا و بندگان بک خدا ، روشنگریش می‌جنگد و  
می‌ارزش می‌پرسند و عابدش می‌باشد در راه  
"امت و امامت "

"فرد رئیس دارای بک زندگی اعتقادی مستعد است در  
برای بر جاسمه است و جامعه نیز متعهد به حرکت و حرکت نیز  
متعهد به رهبری و رهبری نیز به نوبه خود متعهد است  
آیدیولوژی با عقیده و آیدیولوژی نیز متعهد به تعقیق  
آیده‌آل و تبلیغ هدف . آنچه رهبری را از دیگران توری جدا  
می‌کند فرم نیست محتوا است واقعیت محسوس و آنکار  
اجتماعی است . حضور قدرتی است وزاده مرگ نظامها و سیاست  
وروابط اجتماعی و وضع طبقاتی و موضع کبیری سیاسی جهت  
آیدیولوژیک و وجود زبان و فرهنگ و زندگی و تولید و توزیع  
و شرایط و امکانات و پرخورداری و حتی آدمها شیکه جا شنی  
زبان و فرهنگ و زندگی و ... . حتی آدمهای دیگر می‌شوند ،  
نه آنچه در کتابها و قانون اساسی مینویسند ."  
"امت و امامت "

## رهبری امت

### اماهمت:

"امت یک حق ذاتی است ناشی از ماهیت شخص که  
منشاء آن ، خود امام است نه عامل خارجی "انتخاب" و  
نه "انتخاب" ، منصوب بتوانیش نشود ، منتخب مردم باشد  
یا نباشد اما مهت ، چرا که دارای این فضائل است . خواه  
در زندگان سوکول باشد یا بر منبر بیفمیر ، ای امت بر سر  
دستش بگیرندیا نگیرند و چهلت هشت تن را رزش را نشانند

"دانستان خر ، بازگوی این حقیقت است که تغییر  
رهبری برداشتن بک رهبری درست تا جدید سیاست در انسان  
ناشید اشتباه شد ، در "خر" روز عاشورا و "خر" روز تاسوعاً  
هیچ تغییری رخ نداد چنان تغییر رهبری ، در این دیگرگوشی  
علیم تنها و تنها رهبری است که تغییر کرده است ، تغییر  
رهبری از کسی که باید به لعن ایمان آزادی تاریخ گرفتار می‌شود ،  
انسانی ساخت که در تاریخ چهره الهام بخش انسانیست  
و شرافت شد ."

"امت و امامت "

"اکنون قهرمان انقلاب ، رهبر انقلاب ، چه  
تغییر و مندی است که بین از متکرو و پیش از سیاست مدار طلوع  
می‌کند ، اوست که به کلمات مکتب با دم خود جان می‌بخشد و از  
اندیشه اوست که تغییر و حرکت میدارد ، آیدیولوژی ماحصل  
مکتب ، در وجود ادا و ، کوش و پیوست و خون شده است و ایمان و  
عقیده ، آگاهی ، حقیقت ، مسئولیت ، ارزش آرمان  
عشق که در آیدیولوژی انقلاب بک "کتاب" بود در او بک انسان

امت ، امام ، آیدیولوژی  
دکتر در تعریف امت ، امام و  
آیدیولوژی بعنوان مناصب تشكیلات  
انقلابی (حزب شیعه) و تحالف عیشی و تائیدی  
آن بعثتی اعمیقی ارائه داده که مسادر  
جزیان انقلاب تحالف مرانی آزان را  
شاید بودم .  
شروعی در تعریف امت چنین می‌  
گوید :

اماهمت

امت

"می‌بینیم که شیعه علوی ، در طول الفون (نامفویه) به  
تنها یک نهضت اسلامی در تاریخ است و در برای ابرهمی  
و زیمهای استبدادی و طبقاتی خلافت اموی و عباسی و  
سلطنت فرزنوی و سلجوقی و سیموری و ایلخانی (که مذهب سب  
تنهن دولتی را مذهب رسمی خود ساخته بودند) اینها ذی مسخر  
در فکر و در عمل بوده است بلکه همچون بک حزب انقلابی  
مجهز ، آگاه و دارای بک آیدیولوژی سیاسی رعیت و روشن ،  
شارهای قاطع و مربیح و تنكیلات و انتظام دقيق و منظم ،  
رهبری اکثر حرکتها را را دیگواه و عدالت طلب توده های  
محروم و مستهدید را بدست داشته است ."

"تشیع علوی تشیع مفوی"

"... می‌شک نهضت اجتماعی فردای ما ، نهضتی نه  
ما تربیا لیستی خواهد بود و ناسیونالیستی نهضتی خواهد  
بود برای اسلام بیدار و مترقبی و حزب با آیدیولوژی تشیع  
علوی "

"با سخا طبهای آشنا "

شده است او کتاب ناطق انقلاب شده است، تجم انسان  
یک فکر، واقعیت عینی یک معنویت ذهنی و "هست" یک  
باشد باشد باشد باشد، باشت که حرف را عمل کرده استه" مکتب  
را "نهضت" ساخته است و انقلاب را از قلم به قدم و از  
کتابخانه به "کوچه" واژه‌ونه "بیرون" وار "عقیده" به  
"جهاد" وار "قوه" به " فعل "کشانده است و است که بمردم  
حق حکومت داده است و به چهره سیاستمدار روزیمیں از  
انقلاب حق حاکمیت".

"ما و اقبال"

"برای آینده این نهضت فکری، برای بیداری  
مردم و احیای روح حقیقی اسلام و برانگیختن روح معترض  
و عدالتخواه شیوه علوی و رستگاری جامعه ما به طلب  
بیشتر از شما (دانشجویان) امیدیسته ام. چه عمر و روشنگری  
شما کوتاه است. چهار روزه هفت سال بیشتر نیست و فردانگ  
تمدنیک گرفتید و جذب زندگی شدید، بمن درینگ در طبقه بورزا  
قرار می‌گیرید و خیالاتش از سرتان می‌پردازد. اما این طلب  
است که عمر مسئولیت اجتماعیش با عمر حیاتش بکی است و نا  
مود، مسئول افکار و سرنوشت مردم می‌ماند. اگر طلب  
بیدار....؟! و طلب بیدار شده است  
"اجتها دونظریه داشتی انقلاب"

در فرهنگ غربی هرچاکه از  
روشنگری صحت می‌شود و روشنگری متعبد و  
مسئول با ویژگی‌های خاصی است که همه  
جایی‌ان ناکنبد از این

## رسالت روشنگر

"روشنگر جزاین رسالتی ندارد که برآسان فرهنگ  
و شخصیت معنوی و مادی یک جامعه بدان خود آگاهی ملی  
با طبقاتی بدهد، رهبری سیاسی کار خود مردم است.  
"روشنگر را سین بدو وجهه و مقولیت عام و پسند  
روزنی اندیشید، او پیش از آنکه در اندیشه "سفر آراء"  
باشد در اندیشه "تحقيق آنها است"  
"...روشنگر در دیدهای حساس و مشرف خویش، باید  
دوموضع خطر را همراه زیرنگاه خویش داشته باشد:  
اـ افراد ختن آتش مبارزه طبقاتی، در حالیکه  
مبارزه خدا است چنان در سطح ملی درگیر است به منزله  
ایجاد نیاق و تفرقه در وحدت همه نیروهای آزادیخواه و  
خدا است چنان است  
۴- پس از بیان بافت مبارزه خدا است چنان در گیر است که در  
"جهد خارجی" و با شرکت همه نیروهای ملی و طبقات اجتماعی  
درگیر بوده است و حدتی که به همان اندازه که در مبارزه  
علیه است چنان خارجی حیاتی و مشتی بود، در مبارزه علیه  
است چنان داخلی زیان آور و مضر است  
"با زکت به خوبیت"

## رهبری نهضت؛ نیابت

"دوره غیبت دوره ایست که تداوم واستمرا رهبری  
مبارزه است که قبل از این شدید بود، با همیشگان  
طرف فرماده انقلاب شعبین شده بود، با همیشگان  
ایدشلولوژی و هدفها و شمارها و استراتژی وجهت گیری ....  
به خود مردم آگاه شیوه منتقل می‌شود آن عالمترین و  
عادلترین رهبری را به نیابت امام انتخاب کنندگه  
ست مستمر رهبری امت را در امری معرف و شهی از منکر  
دانند" رهبری کنندگان از اینها "مردم" برآنجان در  
برابر نظم حاکم و مستمر تاریخ که همواره، زورمندتر،  
میزور ترور رساند و می‌شود بیدار، هشیار، آگاه، مومن و  
مبارز تکاه دارد که در جهان نمی‌گیر، زور را نمیدیرند، فقر را  
تکین نکنند و آگاهی را تسلیم نشوند و بر علیه آنها قیام  
کنندگان "قائم" برسد.

"شیوه‌یک حزب تمام"

"..... تحصیلکرده‌های روشنگری توانند رهبری  
نهضت اصلی اجتماعی را در مرحله طبقاتی آن ادامه دهند  
و به نیابت از خود مردم عمل کنندگه‌های این خود مردم  
عمل کنندگه این فهرمانان "ام" اند که اراده شوده  
در آن تجم یافته است و روح و سین و حرکت واستحکام  
فطري واردی خود را مستقیماً "ازمن" اجتماع می‌گیرند و  
ریشه در اعماق معمی وزاینده توده دارند".

"ما و اقبال"

"... هر چند روشنگری را سین از میان همین  
فرنگ رفته‌ها، بیرون آمدند، رهبران نهضتی خود  
است چنانی و جنبشی بیدار گشته، مردم نیز از من همین  
روحانیت، سوزده‌اند، از سید جمال بکر و سیا و "روح خدا"  
در همین کالبد متحجر و بسوی ملک اکال فخاره "روحانیت  
دعیده" است."

"انسان و اسلام"

"این رهبران و متغیران اسلامی بودندگه بین از همه  
خودشان و همچنین بازیان معنوی و مذهبی خودشان با

## هشدار:

هرچند دریک ، دو صفحه نسبت‌باش  
جمع‌بینی از آثار روسخان معلم شده است  
انقلاب اراده کرد اما این‌ها را از آنجه  
او گرد و پیام‌داد و تحقق آنرا در انقلاب  
دیدیم نقل کردیم . ما از بزرگترین  
ره‌آوردهای دکتر تحلیلی است که از  
جزئیات انتقام‌رسانی پس از پیروزی اراده  
می‌کند . خطری که بهشت‌ها رها نمی‌کشند  
را شدیده انتراف و انتقام می‌کنند :

## خطر اتی که نهضت را تهدید می‌کند :



با زمینکردن دوست‌های حس رهبری را اشغال می‌کنند و خون  
بهای شهیدان را ، می‌بزوا تو می‌بل و حقوق‌های کلابوا متبیازات  
اجتماعی بسیار می‌باشد و می‌بندند و در عوض سخنرا نمی‌باشی .  
علمی و کنکره و کنفرانس و سینما را و اصلاحات فتو و بر سامه‌های  
تحقیقی و مطالب با معدشنا سی و فلسفی ، بخورد مردم می‌  
دهند .

"با زکشت به خوبیش"

### ب. دشمنی ایدئولوژی رقب

"از زمان لعن ناماشو ، در این شصت سال که از عمر  
ا بن نهضت آزادی بخشن عدالتخواه علمی و انتقامی و غیره !  
می‌کنند ، شصت سال خیانت ، نامردی و سازشکاری را

خطی که همه سهپتها را هاشی بخشن مردم را در آسیا تجربه کرده‌اند بخوبیا سخ هر لب خشند حس نیتی را ، نفی سورو  
و آفریقا و آمریکای لاتین تهدید می‌کنند و ساربان دجمار خربه‌ای برسربا خنجری از بیشتر دریافت کرده‌اند . می‌سوزانند  
اینستکه عوام ، مردم کوچه‌ویا زاروکار خانه و کوچک خان ، دکتر مصدق ، واپسی سجا هدان او انتقام کشی‌ها  
می‌زوند ، چهره‌های کمنا موخاک آسوده بسیادی جون ، ستارخان کثیف ، سیاهان ، زرنگی‌ها طزارانه و رذیلانه تربیت  
و با قرخان و شیخ علی موسیو ، نانوای تبریزی ، فرشت طلبیها و غنیمت شما زیها در دشتم و انتقام و حمله و  
قداکاری‌های با رسانایه و مرگ‌های باک و قهرما نیهای بی نام حتی هنک و قتل علیه‌اسلام آنهمه اسلام ارجاعی ، سختی و  
وشنان خوبیت ، استعمال رواستیدن در میکوبید و همینکه دشمن یا بیطوف اسلامی که بیهودان آمده سلاح برداشته و  
را نده‌شود دوران جها دهایان بیان بیافت و دوره‌اداره کردن . و هولناکترین لحظات تاریخی اش را در بیکار با امپراطوری  
حکومت کردن رسید ، مجا هدان که عصر را در روستا و کارخانه و سرمایه‌داری جهانی می‌گذرا ندو جزرهاشی از استعمال روحی  
کذرا نده و سالهای خوبین را درستگرها می‌گنجیده اند بیکسر شوراندن توده‌های محروم و میرطبقه انگل استشمار گر شماری  
بدر دنبیخورند" ، تفکرها را می‌گذارند و بدین حال کارخود می‌کنند .

"با مخاطبها آشنا"

"حس"

### الف- کنادرقتن نیروهای انتقامی از صحنه

خطی که همه سهپتها را هاشی بخشن مردم را در آسیا تجربه کرده‌اند بخوبیا سخ هر لب خشند حس نیتی را ، نفی سورو  
و آفریقا و آمریکای لاتین تهدید می‌کنند و ساربان دجمار خربه‌ای برسربا خنجری از بیشتر دریافت کرده‌اند . می‌سوزانند  
اینستکه عوام ، مردم کوچه‌ویا زاروکار خانه و کوچک خان ، دکتر مصدق ، واپسی سجا هدان او انتقام کشی‌ها  
می‌زوند ، چهره‌های کمنا موخاک آسوده بسیادی جون ، ستارخان کثیف ، سیاهان ، زرنگی‌ها طزارانه و رذیلانه تربیت  
و با قرخان و شیخ علی موسیو ، نانوای تبریزی ، فرشت طلبیها و غنیمت شما زیها در دشتم و انتقام و حمله و  
قداکاری‌های با رسانایه و مرگ‌های باک و قهرما نیهای بی نام حتی هنک و قتل علیه‌اسلام آنهمه اسلام ارجاعی ، سختی و  
وشنان خوبیت ، استعمال رواستیدن در میکوبید و همینکه دشمن یا بیطوف اسلامی که بیهودان آمده سلاح برداشته و  
را نده‌شود دوران جها دهایان بیان بیافت و دوره‌اداره کردن . و هولناکترین لحظات تاریخی اش را در بیکار با امپراطوری  
حکومت کردن رسید ، مجا هدان که عصر را در روستا و کارخانه و سرمایه‌داری جهانی می‌گذرا ندو جزرهاشی از استعمال روحی  
کذرا نده و سالهای خوبین را درستگرها می‌گنجیده اند بیکسر شوراندن توده‌های محروم و میرطبقه انگل استشمار گر شماری  
بدر دنبیخورند" ، تفکرها را می‌گذارند و بدین حال کارخود می‌کنند .

### ج- ضعف درونی

تایم ، هلند و بلژیک و آمریکا و دیگر کشورهای " متروپل "

غرق لذت و آشتی دور و بیگانه با جامعه‌شان و نهضت

مردم‌شان زندگی می‌گردند و دکترونیک و متخصص اقتصادو



معالم

اما نسی هم تذلیل را ورثتند و امدادهای سک هرگز تامین نکردند. سایه  
نیز است آزو، آخته میگیرند و خس روز بدرور همچشم تذلل نمودند. نیز  
این اضطراب میخواهد اینها بسته دست فردی شدید مرد است و کوچکی برخواهد.  
نارم همچنان معلوم و به اینها میترس اما، میتوانند اینکه همچو در پیشاد  
نهایت میسرند.

من که آگون در حالیست هست که توی نهار سار نمی‌وین کدسته‌ای است از  
من که می‌بده سایه‌اش نمی‌رسو، آنرا زان را بتوکستن و دسته‌ای  
دعا همی‌که طویل فردام و مهستانه مغلقی، موکر عسان آویجه‌ایم... علی

بخش قرارداد و به‌شکل فردی .

با بدکفت که با ورقها

- ۱- کامل این اشر  
۲- محتنے ۱

میان اعیان الهی استوار بوده‌اند چون زیرینتا و روبنای  
مسائل طبقاً تی موجود در جامعه را در قالب ایدئولوژیک و  
برانیک خود، در ذهن و عین جامعه مطرح نگرده‌اند اگر هم  
پیروز شدن دلایل اصله بعداً زیبروزی و تغییر طما هری نظام  
کهنه، منجر فکر شتمام شمرات جهادها، و مبارزات شمار  
با زیست قدرت‌های نیرومندی افتاده، در حقیقت ادامه  
دهنده راه و سمت نظام طبقاً تی پیشین بوده‌اند!

"شیعہ پک حزب تھام"

#### **د. تضاد درونی ۱- عقیدم\_ متعدد**

— «بنا بر این دو شعرا زیبا اینکه خدهم بود، هردو سنت غریب در قرون هیجدهم و نوزدهم واوایل قرن  
سی هم بود، مها جمان و پیرانگر فرنگی ما ب، ما مسوان  
استعمار بودند و تقاب تجدد و شمدن و علم و پیشرفت برجهای  
داشتند و مدارفان محافظه کار و مقاومت گرد، ما مسوان  
ارتجاع بودند و با سدا رکھنگی و جمود و تقاب دین و تقاض  
واخلاق و معنویت و امانت زده بودند؛ گفتنگ رفته‌ها و نجف  
رفته‌ها در برابر هم ایستادند و جنگی را آغاز کردند که تنها  
نتیجه‌اش اغفال اذهان مردم از جنگ انتقالی و پنهان  
استعماری بود، جنگی که هر کجا می‌پیروز می‌شد، مردم شکست  
خوردند و بودند».

اتسان و اسلام

#### تضاد درونی ۴- روحانیت انقلابی روحانیت قشری

— «چنانکه میدانیم کاوش‌خواهی‌اش چون سیدجمالی،  
سیرزای شیرزای، طباطبائی‌شی، بیهقی‌شی، شفیع‌الاسلام  
مدرس، سیرزا کوچک‌خان، خیابانی و اصروروز؛ طالقانی و  
حتی آیه‌الله خمینی که مرجع بزرگ عصر ما هستند، نهایت‌ده  
روح حاکم برخوازه نسبت و اینستکه آنان در حرکت و دعوت  
خوبیش در میان نواده‌روشنفکران و نسل جوان باران بیشتری  
می‌باشد، تا در داخل حوزه‌وازمیان هفقط ران خوبیش و چه  
بسیارک‌این قیامها موقعیت روحانی آنان را تضییف می‌کند  
و سرنوشت آیت‌الله‌ناشی‌شی که بدفاع از مشروطه برخاست و  
شان مرتعیت‌ش را فدای آن کرد، نمونه‌اش !

卷之三

تاریخ تحلیلی اسلام

روجیه مردم مکه شدجه میدیدند که  
بزرگ و سرکرده ایشان با آن همه قدرت  
تلیم شده بیهوده نظر مهربان و در  
عین حال به خود مطمئن است که او را نمی  
کشد بلکه آزاد، میکند.

درا بینجا ممکن است پرسیده شود  
برای اینها میرا بوسفیان را که میرا فروردین

[View all posts by \*\*John\*\*](#) [View all posts in \*\*Uncategorized\*\*](#)